

Components of Education Policy Theory of the Islamic Republic of Iran in the Face of Cyberspace from the Perspective of Management and Executive Experts

Seyed Mohammad Ali
Shakib *

Ph.D. in Media Management, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

Naser Bahonar 

Associate Professor, Faculty of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Seyed Mohsen
Banihashemi 

Assistant Professor, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

The growth and expansion of cyberspace and the spread of its use, especially among children and adolescents, has caused a very serious concern for families and those in charge of education in the country in terms of how to deal with it. The widespread use of cyberspace by children and adolescents will eventually lead to social divisions and crises and deep intergenerational gaps between parents and children, and will gradually shake the position of the school as the most important pillar of formal and public education. The present study uses a qualitative approach to understand the current situation of the policy theory of the Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran in the face of cyberspace and obtain its desired status components through in-depth interviews with managers and experts and analysis of data obtained through the data method. The entrepreneurial view in the Ministry of Education, the lack of proper interaction with the private sector and the market, the weakness of the management body and the staff of education have formed the existing theoretical components. The desirable components of policy theory are the role of regulating and directing and supervising content by education along with defining the right role for the private sector to produce healthy, useful, and safe content, and the need to pay attention to

* Corresponding Author: Nbahonar@yahoo.com

How to Cite: Shakib, S M A., Bahonar, N., Banihashemi, S M. (2021). Components of Education Policy Theory of the Islamic Republic of Iran in the Face of Cyberspace from the Perspective of Management and Executive Experts, *Journal of New Media Studies*, 7(27), 1-38.


the priority of creating service and producing local content in the national network infrastructure.

Keywords: Education, Cyberspace, Training, Digital Gap, Policy Theory.



مؤلفه‌های نظریه سیاستی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی از نگاه خبرگان مدیریتی و اجرایی


دکتری مدیریت رسانه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

سیدمحمدعلی شکیب 

دانشیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، تهران، ایران.

ناصر باهنر  *

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

سیدمحسن بنی‌هاشمی 

چکیده

رشد و گسترش فضای مجازی و همه‌گیری بهره‌مندی از آن به‌خصوص در میان کودکان و نوجوانان، سبب ایجاد دغدغه بسیار جدی برای خانواده‌ها و متولیان امر آموزش و تربیت در کشور از حیث چگونگی مواجهه با آن شده است. استفاده گسترده کودکان و نوجوانان از فضای مجازی و عدم نظارت و تنظیم گیری کافی از سوی نهادهای متولی امر تربیت، به دلیل تأثیرگذاری شگرف آن بر فرآیندهای تربیتی و تغییر کنش‌های رفتاری آنان، به‌مرور سبب ایجاد گسست‌ها و بحران‌های اجتماعی و شکاف‌های میان نسلی عمیق میان والدین و فرزندان خواهد شد و به تدریج جایگاه مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین رکن تعلیم و تربیت رسمی و عمومی را متزلزل خواهد کرد. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی درصدد فهم وضعیت موجود نظریه سیاستی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی و به دست آوردن مؤلفه‌های وضعیت مطلوب آن، از طریق مصاحبه عمیق با مدیران و خبرگان و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از طریق روش داده بنیاد بوده است. نگاه مبتنی بر تصدی‌گری در وزارت آموزش و پرورش، عدم تعامل صحیح با بخش خصوصی و بازار، ضعف بدنه مدیریتی و ستادی آموزش و پرورش، مؤلفه‌های نظری موجود را تشکیل داده‌اند. مؤلفه‌های مطلوب نظریه سیاستی نیز، ایفای نقش تنظیم‌گری و راهبری و نظارت محتوایی توسط آموزش و پرورش در کنار تعریف نقش صحیح برای بخش خصوصی جهت تولید

محتوای سالم، مفید و ایمن و ضرورت توجه به اولویت ایجاد سرویس و تولید محتوای بومی در زیرساخت شبکه ملی را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، فضای مجازی، تعلیم و تربیت، شکاف دیجیتال، نظریه سیاستی.



مقدمه

رشد، گسترش و سهولت دسترسی و بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و افزایش سرعت و پهنای باند اینترنت در کشور، سبب بروز مسائل و معضلات نوین تربیتی و آموزشی در نظام فرهنگی و تربیتی کشور شده است. نوجوانان و جوانان به‌عنوان رکن آینده جامعه، از مهم‌ترین مخاطبان و استفاده‌کنندگان از فضای مجازی هستند. پیدایش رسانه‌های جدید طی نزدیک به دو دهه‌ی گذشته تغییرات عمیقی را در عرصه‌های مختلف زندگی روزمره پدید آورده است. این تغییرات بیش از هر چیز از رهگذر تغییر در ساختارها و الگوهای ارتباطی نه تنها بر فرهنگ جوامع معاصر تأثیر گذاشته، بلکه خود یک عرصه فرهنگی نوین پدید آورده است که با تعابیر مختلف از آن به فرهنگ الکترونیکی، فرهنگ دیجیتال، فرهنگ مجازی، فرهنگ سایبر و فرهنگ نوین یاد شده است. (بل، ۲۰۱۰: ۱۰). به گفته لیستر^۱ یکی از معانی نو بودگی در عبارت رسانه‌های نوین در آن است که ما هنوز نظریه‌های جاافتاده‌ای برای درک این رسانه‌ها در اختیار نداریم (Lister et al, 2003: 9).

امروزه تمامی مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جوامع، متأثر از فضای مجازی و ارتباطات مجازی هستند و به تعبیری فضای مجازی به امتداد فضای مجازی حقیقی تبدیل شده است و کلیه سطوح زندگی بشر را دربر گرفته است و به‌نوعی جامعه جدیدی را بر بستر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پدید آورده است که از آن به جامعه شبکه‌ای^۲ تعبیر می‌کنند.

گسترش ابزارهای دیجیتال، یعنی رایانه، اینترنت، تلفن و به‌خصوص تلفن‌های همراه و ابزارهای دیجیتال خانگی بر نهادهای اصلی جامعه ایران یعنی فرهنگ، سیاست، خویشاوندی، روابط اجتماعی افراد و آموزش تأثیرگذارده است و فرآیند دیجیتالی شدن در حال شکل دادن فرهنگی خاص برای خود است. در واقع روند تحولات فناورانه در

1. Lister

2. NetWork Society

کشور، فرهنگ و بنیان‌های تربیتی و آموزشی در جامعه را به سمت جدیدی هدایت کرده است. (فاضلی، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

نوجوانان و جوانان به حسب طبع جست‌وجوگر خود، بنا بر تغییرات عصر تازه از ارتباطات جزو اولین مخاطبان نسل نوین از ارتباطات شبکه‌ای و اینترنتی قرار گرفتند و به کلی مناسبات این نسل در تغییرات اینترنتی دچار تغییرات و تحولات بسیار زیادی نسبت به نسل‌های پیش از خود شد. به‌طور کلی نسل امروز نوجوان و جوان را می‌توان نسلی نامید که زندگی بدون اینترنت و فضای مجازی برای آنان بی‌معناست و از هنگام تولد با جهانی مواجه شده‌اند که تمام ارتباطات در آن مبتنی بر اینترنت و فضای مجازی بوده است. طبق آمار مؤسسه تحقیقاتی پیواینترنت، بیش از ۹۵ درصد کودکان و نوجوانان در پژوهشی آماری از تلفن‌های همراه هوشمند بهره‌مند هستند و ۴۵ درصد از آنان اذعان داشتند که شبانه‌روز در حالت آنلاین به سر می‌برند (pewinternetresearch.com) از مؤلفه‌های اصلی و تعیین‌کننده در فضای مجازی، میزان سرعت و به‌تبع پهنای باند اینترنت است. از ابتدای ورود اینترنت به ایران تا سال‌های اخیر ظرفیت پهنای باند اینترنت بین‌الملل کشور و همچنین ظرفیت آی پی داخلی روند صعودی داشته است به‌نحوی که تنها در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا اواخر ۱۳۹۸ بنا بر اعلام رسمی مراجع ذی‌ربط، پهنای باند اینترنت بین‌الملل در ورودی کشور با رشدی ۸۳۴ درصدی به رقم ۶۷۳ گیگابایت بر ثانیه رسیده است.^۱ در واقع به‌حسب رشد و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، کودکان و نوجوانان از حیث روانی، جسمی و شناختی و منطق ذهنی تغییرات بنیادینی با نسل‌های قبل نموده‌اند و البته در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی آسیب‌پذیرتر شده‌اند (Valkenburg & Piotrowski, 2017: 26-27). امروزه این پدیده سبب بروز مسائل متعدد تربیتی و فرهنگی برای کودکان و نوجوان شده است و با روند فعلی، جایگاه نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان متولی اصلی تربیت رسمی و عمومی، در فرآیند فرهنگ‌پذیری و تربیت دانش‌آموزان دستخوش تغییرات جدی خواهد شد.

۱. تارنمای سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

از ابتدای ورود فناوری‌های نوین به کشور، وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی مهم در کشور، تجربیات متعددی را در مورد تعامل و مواجهه با فناوری‌های نوین از سرگذرانده است ولی هیچ‌یک از تجربیات انجام‌شده نتوانستند مبانی و مؤلفه‌های سیاستی مواجهه این نهاد با فناوری‌های نوین و فضای مجازی را مشخص سازند.

پژوهش فوق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که مؤلفه‌های نظریه سیاستی موجود و مطلوب وزارت آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی از نگاه خبرگان مدیریتی و اجرایی مرتبط با این حوزه چیست. به‌عبارت‌دیگر، این پژوهش قصد دارد تا با تحلیل اسناد سیاستی و همچنین بهره‌گیری از نظرات نخبگان عرصه ارتباطات و رسانه، تعلیم و تربیت و همچنین معلمان و سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش در زمینه‌ی مواجهه نهاد تعلیم و تربیت رسمی آن‌ها با فضای مجازی، نظریه سیاستی موجود وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی را استخراج نموده و سپس به ارائه مؤلفه‌های کلیدی نظریه سیاستی مطلوب در این رابطه پردازد؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بر مبنای این سؤال بنا نهاده خواهد شد که مؤلفه‌های نظریه سیاستی موجود و مطلوب وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی چیست؟

پیشینه پژوهش

تا جایی که محقق در منابع داخلی و خارجی بررسی کرده است پژوهشی در زمینه نظریه سیاستی وزارت آموزش و پرورش و نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در مواجهه با فضای مجازی موجود نبوده است و قالب پژوهش‌ها در مورد تأثیرات اینترنت و فضای مجازی بر کودکان و نوجوانان و همچنین مدل‌های شاخصه‌های زیست دیجیتال کودکان و نوجوانان بوده و از حیث سیاستی موضوع فوق را مورد واکاوی قرار نداده‌اند. با این حال محقق تلاش کرده است تا پژوهش‌های مرتبط با حوزه کلان نسبت یابی نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و پیشرفت‌های حوزه فناوری‌های نوین را مورد واکاوی قرار دهد.

مقاله گومز و گالان^۱ (۲۰۲۰)، با عنوان "آموزش رسانه‌ای در دوره فناوری اطلاعات؛ ساختار نظری برای سبک‌های ابتکاری آموزش" به بررسی تأثیرات فناوری در امر آموزش و کمرنگ شدن نقش معلم در دنیای دیجیتال و راه‌های مواجهه با آن -در جهانی که به‌نوعی دچار سرخوشی مصنوعی مواجهه با ابزارهای دیجیتال شده است- با درکی همه‌جانبه از ابعاد مختلف تأثیرات فناوری اطلاعات بر زندگی مردم پرداخته است. نیاز به رویکرد تحلیل به رسانه، آموزش و آگاه‌سازی معلم و دانش‌آموزان و والدین و تغییر سبک تدریس معلمان مبتنی بر آزادی، انگیزه و خلاقیت، ایجاد نگرش انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای، بررسی رابطه ارزش‌ها و فرهنگ‌ها بر رسانه‌ها مؤلفه‌های احصا شده از طریق روش فرا تحلیل، در این مقاله برای مواجهه صحیح ساختار آموزشی با فناوری دیجیتال است.

گالوین و گرینهو^۲ (۲۰۲۰)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "استراتژی تدریس با رسانه‌های اجتماعی" که در دوره همه‌گیری شیوع ویروس کرونا نگاشته شده است، به دنبال ارائه راه‌کار و قالب‌های نوین آموزش‌های غیرحضوری است. مطالعه مذکور با روش اسنادی و مطالعات تلفیقی پیشنهاد استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای آموزش‌های برخط را ارائه داده است. رسانه‌های اجتماعی باید به‌گونه‌ای هوشمندانه در برنامه آموزش آنلاین دانش‌آموزان ادغام شوند و به‌نوعی به کمک آموزش‌های سنتی بیایند. در این رویکرد رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک کانال غیررسمی یا وسیله‌ای برای ارتباطات متناوب دانشجویی تعریف خواهند شد و برای ارسال مطالب و محتوای مرتبط با برنامه درسی به دانشجویان اختیار داده می‌شود.

باهنر و مهدی پور (۱۳۹۹) در رساله دکتری با عنوان "نظریه سیاستی جمهوری اسلامی ایران در قبال فضای مجازی" درصدد ارائه نظریه سیاستی جمهوری اسلامی ایران در زمینه فضای مجازی با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون و داده بنیاد، در وضعیت

1. Gómez & Galan
2. Greenhow & Galvin

موجود و مطلوب بوده‌اند. بر اساس جمع‌بندی این پژوهش، تضعیف حاکمیت ملی در اثر هوشمند و شبکه‌ای شدن قدرت در دوره فضای مجازی، مسئله اصلی بوده و بر این اساس محور اصلی نظریه سیاستی مطلوب، حفظ و تقویت حاکمیت و «بازطراحی مناسبات حاکمیت و فضای مجازی» بر اساس شرایط و اقتضائات جامعه شبکه‌ای است.

آزاده باواخانی و دیگران (۲۰۱۹)، نیز در مقاله‌ای با عنوان "مطالعات تطبیقی مدل‌های آموزش معلمان در سه کشور استرالیا، ترکیه و سنگاپور: الگویی جدید برای ایران" که به زبان انگلیسی به نگارش درآمده است، به این نتیجه رسیده‌اند که ارزیابی‌های بین‌المللی فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد که برخی کشورها دارای پیشرفت‌های سریع‌تری در این زمینه بوده‌اند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تحلیل تطبیقی برنامه‌های فاوا دوره آموزش عمومی معلمان در کشورهای پیشگام در حوزه فناوری آموزشی و مقایسه آن با ایران بود. یافته‌های تحقیق نشان داد، رفع چالش‌هایی همچون ضعف در جلب مشارکت بخش خصوصی، فقدان سرمایه‌گذاری مالی درازمدت، عدم آموزش قبل از خدمت معلمان و عدم استراتژی ارزیابی‌های منسجم محورهای توسعه برنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در دوره آموزش عمومی ایران هستند.

همچنین حورا محمدی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی نقش بهره از تکنولوژی و فناوری آموزشی در محیط یاددهی و یادگیری" به نقش تعیین‌کننده فناوری‌های آموزشی در فرآیند یادگیری و یادگیری و افزایش کیفیت آموزش پرداخته است.

باقرزاده (۱۳۹۹)، نیز در مقاله "تأثیر عملکرد آموزش در فضای مجازی در تعاملات یاددهی و یادگیری" به بررسی ویژگی‌های مثبت و منفی بهره‌گیری از فناوری‌های مبتنی بر فضای مجازی در تعاملات آموزشی پرداخته است.

شریفی و نامیوندی (۱۳۹۷) نیز در مقاله "بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور"، به بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت کشور در راستای ارتقای سطح سواد رسانه‌ای و

اطلاعاتی پرداخته‌اند. بر اساس پژوهش فوق که به روش تحلیلی صورت پذیرفته است، تعیین ابعاد پنج‌گانه روش آموزش، سطوح آموزش، تفکیک رسانه‌ها، تعیین جامعه هدف و محتوای آموزش نقش مهمی در ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی جامعه هدف دارند.

همتیان و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله "فرصت‌ها و چالش‌های رسانه‌های نوین و فضای مجازی با تأکید بر نقش اینترنت در آموزش و پرورش" به اهمیت نقش و جایگاه رسانه‌های نوین و تعاملی در حوزه تربیت و آموزش پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از روش مطالعات کتابخانه‌ای چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از رسانه‌های نوین و فضای مجازی در امر تربیت رسمی را مورد بررسی قرار داده‌اند و در انتها راهکارهایی جهت مواجهه با آسیب‌ها و چالش‌های ورود آموزش و پرورش در حوزه فناوری‌های نوین ارائه داده‌اند.

مروری بر ادبیات در حوزه تعلیم و تربیت و رسانه‌های جدید نشان‌دهنده این واقعیت است که در حوزه رویکرد سیاستی نهاد آموزش و پرورش به فناوری‌های نوین و رسانه‌های جدید و فضای مجازی تا جایی که محقق جست‌وجو نموده است پژوهش معتبری موجود نبوده است. همچنین در خصوص نظریه سیاستی نهاد تعلیم و تربیت در مواجهه با تحول دیجیتال و فضای مجازی به‌طور خاص نیز پژوهشی موجود نبوده است.

ادبیات پژوهش

رسانه‌های جدید و اینترنت

بعضی تعاریف، رسانه‌های جدید را ترکیب شدن متن، صوت، ویدئو و قالب‌های دیگر رسانه‌ای در یک ابزار رسانه‌ای، دارای خصلت‌هایی مانند تعاملی بودن، در بستر وب و اینترنت و دارای خصلت دیجیتالی می‌دانند. (Logan, 2005: 5). مانویچ^۱ در کتاب خود «زبان رسانه‌های جدید» رسانه‌های جدید را به‌عنوان «اشکال جدید فرهنگی که بر بستر رایانه قرار دارند معرفی می‌کند و برای آن مثال‌هایی مانند وب سایت‌ها، ابزار دیجیتالی و چندرسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای را ذکر می‌نماید (Manovich, 2003: 43).

1. Manovich

مانویچ در واقع هر آنچه بر بستر صفر و یکی و دیجیتالی به عنوان یک رسانه قابل تعریف باشد را به عنوان رسانه جدید معرفی می کند. به ولتر و گران رسانه های جدید را بازسازی شده رسانه های سنتی می دانند (Bolter and Grusin, 1999: 45)

مک کوایل^۱ ماهیت اینترنت را عدم قطعیت می داند. این ویژگی نه تنها به خاطر تنوع و دوام این رسانه در آینده، بلکه به خاطر نوعی خصلت پست مدرنیستی آن است. اینترنت به عنوان یک «رسانه جدید» از محدودیت های الگوهای چاپ و پخش در ارتباطات فراتر می رود؛ چراکه به واسطه ی آن عده های کثیر با عده ای دیگر گفت و گو می کنند و دریافت و تغییر هم زمان کالای فرهنگی ممکن می شود و کنش ارتباطی از محیط زندگی ملی با روابط فضایی سرزمینی مدرنیته جابجا می شود و ارتباط سریع جهانی امکان پذیر می شود و همگرایی رسانه ها در قالب شبکه ایجاد می شود. (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

جامعه اطلاعاتی

برای تحلیل نوع جامعه ای که با فناوری های ارتباطی نوین و اثرات آن مواجه و تحت تأثیر آن قرار گرفته است، مفاهیم متعددی وجود دارد. مفهوم جامعه اطلاعاتی^۲ که برای اولین بار در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی در آثار چند تن از اقتصاددانان و جامعه شناسان آمریکا و بیش از همه در آثار فریتز مجلوب^۳ و دانیل بل^۴ مطرح شد، به این معناست که دانش و اطلاعات در حال تبدیل شدن به عوامل کلیدی در حوزه های اقتصادی و اجتماعی هستند (معمد نژاد، ۱۳۸۹: ۷). به تعبیر مک کوایل جامعه اطلاعاتی یا جامعه پسا صنعتی جامعه ای است که در آن اطلاعات ارزشمندترین منبع، ابزار تولید و همچنین مهم ترین فرآورده است به طوری که عمده نیروی کار از شاغلین مشاغل اطلاعاتی تشکیل شده است و بر حسب کلیه شاخص های اقتصادی و اجتماعی نیز اطلاعات بر سایر بخش ها غلبه دارد. (مک کوایل، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۱۵).

-
1. Denis McQuail
 2. Information society
 3. Fritz Machlup
 4. D. bell

جامعه شبکه‌ای

جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارت‌اند از انقلاب اطلاعات که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت؛ تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ به این سو باهدف غلبه بر تعارض‌های درونی این دو نظام؛ و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و دنباله‌های آن در دهه ۱۹۷۰ که کاستلز بر اساس آن‌ها مفهوم جامعه شبکه‌ای را بسط و گسترش داده است. درواقع جامعه شبکه‌ای جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی‌اش پیرامون شبکه‌های فعال‌شده از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پردازش‌شده دیجیتال و مبتنی بر میکروالکترونیک، شکل گرفته است. (کاستلز، ۱۳۹۶: ۲۹)

ون دایک^۱ جامعه شبکه‌ای را جامعه‌ای توصیف می‌کند که در آن ترکیبی از شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های رسانه‌ای، مبانی و ساختارهای کلیدی جامعه را در هر سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی شکل می‌دهد. استفاده از شبکه‌سازی از نگاه ون دایک یک نیاز اجتماعی آشکار محسوب می‌شود؛ و روابط سنتی در سطوح مختلف دیگر پاسخگوی نیاز افراد نیستند. بدین ترتیب ارتباطات چهره به چهره افراد به ارتباطات مجازی از طریق شبکه‌های رسانه‌ای تغییر کرده است و فناوری دیجیتال جایگزین ارتباطات فردی شده است. این بدان معنی است که شبکه‌های رسانه‌ای و شبکه اجتماعی مجازی، ماهیت و معنای سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی را تغییر داده‌اند. (Vandijk, 2006: 25-30). نمودار شماره ۱ ساختار شماتیک جامعه شبکه‌ای از نگاه ون دایک نمایش داده شده است.

1. Vandijk



نمودار ۱. ساختار جامعه شبکه‌ای در جوامع مدرن از دید ون‌دایک (Vandijk: 2006: 32)

جامعه شبکه‌ای یک جامعه جهانی است که هر شخص از طریق فرآیندهایی که در شبکه‌های جهانی واقع می‌شود و ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد تحت تأثیر آن واقع می‌شود. ویژگی اصلی جامعه شبکه‌ای پیونده دهنده مردم، نهادها و کشورهاست. جامعه شبکه‌ای هم‌زمان با افزایش بخش‌بندی‌ها، یکپارچگی امور جهانی را افزایش می‌دهد. به بیان وبستر اصلی‌ترین دغدغه کاستلز تبیین راه‌ها و شیوه‌هایی است که جهانی‌سازی مردم و فرآیندها را یکپارچه می‌کند (وبستر، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

شکاف دیجیتال^۱

نابرابری در جامعه اطلاعاتی اصطلاحی بود که در اواخر دهه ۹۰ میلادی مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. ون‌دایک این نابرابری را بر اساس ساختارهای اجتماعی و موقعیت افراد در آن دیده است. شکاف دیجیتال اوایل به‌عنوان مؤلفه دسترس‌پذیر بودن یا نبودن

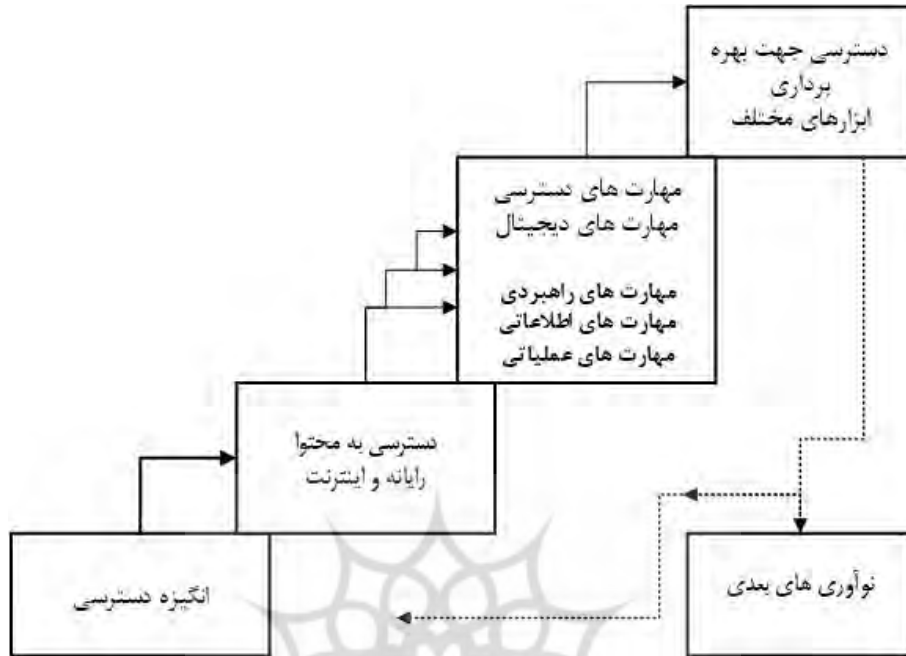
1. Deepening divide

وسایل و فناوری‌های ارتباطی برای افراد مطرح می‌شد؛ اما ون‌دایک ابعاد جدیدی برای آن مطرح کرد. او چهار حوزه زمان (فرصت بهره‌گیری از رسانه‌های جدید)، منابع ذهنی (دانش فنی جهت بهره‌گیری از فناوری)، منابع اجتماعی (شبکه و ارتباطی که به فر برای دسترسی به فناوری کمک می‌کند) و منابع فرهنگی (پاداش فرهنگی که سبب انگیزه استفاده و بهره‌گیری بهتر فرد از فناوری شود). در واقع شکاف دیجیتال به نابرابری در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان کشورها اشاره می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهارت‌های رایانه‌ای، مهارت‌های اینترنتی و در دسترس بودن شبکه‌های ارتباطات از راه دور است. (کازم پوریان و عبدلی، ۱۳۹۵).

علل و ابعاد مختلفی جهت نابرابری در دسترسی و استفاده از رسانه‌های جدید مطرح شده است مانند سن، شغل، سطح تحصیلات و زندگی، آموزش، جایگاه فرد در خانواده، جنسیت و مسائلی از این دست جزو مفاهیمی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. (Vandijk, 2006: 178). ون‌دایک معتقد است هر چه دسترس‌پذیری افراد کمتر باشد این سبب پایین بودن مشارکت آنان در فرآیندهای جامعه اطلاعاتی خواهد بود؛ زیرا بهره‌گیری از فناوری یکی از مهم‌ترین شروط مشاغل جدید در جامعه شبکه است. این شامل مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

سواد دیجیتال^۱

شکاف دیجیتال را صرفاً نباید به معنای دسترسی صرف افراد به فناوری تفسیر کرد. ون‌دایک با بسط این مفهوم به مهارت و سواد بهره‌گیری از رسانه‌های دیجیتال در جامعه شبکه‌ای هم توجه نمود. در نمودار شماره ۲ مراحل که باید جهت استفاده از فناوری و کم کردن شکاف دیجیتال از نگاه ون‌دایک مورد توجه قرار گیرد آمده است.



نمودار ۲. مدل چهار سطح دسترسی به فناوری دیجیتال از نگاه ون دایک (Vandijk, 2006: 181)

همان‌طور که در شکل آمده است مؤلفه‌هایی مانند انگیزه فرد، ارتقای مهارتی فرد در بهره‌گیری از فناوری و نوآوری جزو مهم‌ترین عناصری هستند که مورد توجه واقع شده‌اند. برای مثال انگیزه افراد جوان نسبت به افراد سالخورده جهت ارتقای مهارتی و کاهش شکاف دیجیتال بالاتر است. یا به نسبت مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف شیوه مواجهه با مفهوم شکاف دیجیتال متفاوت خواهد بود. در بعد مهارتی تعریف ون دایک از مهارت یادگیری در سه سطح عملیاتی، اطلاعاتی و راهبردی خلاصه می‌شود. در سطح عملیاتی منظور مجموعه مهارت‌های لازم برای کار با رایانه‌ها و سخت‌افزارها است. در سطح اطلاعاتی مجموعه مهارت‌های نحوه مواجهه با اینترنت و محیط وب و نحوه کار در آن است؛ و مهارت‌های راهبردی نیز میزان آگاهی‌ها و اطلاعات کلی فرد و انگیزه او از استفاده از فناوری‌های جدید است (Vandijk, 2006: 181).

به جهت افزایش مهارت‌های بهره‌گیری و استفاده از فناوری‌های نوین و کاهش شکاف دیجیتالی از مفهومی به نام سواد دیجیتالی نام می‌برند. هیوج^۱ و پایتون^۲ سواد دیجیتالی را به‌عنوان یک حق مهم برای همه جوانان در فرهنگی فزاینده و دیجیتالی در عصر اطلاعات می‌دانند. منظور از سواد دیجیتال مهارت‌ها، دانش و درکی است که در همه زمینه‌های زندگی مشارکت، امنیت و ارتباط به شکل مؤثر را حاصل می‌شود. سواد دیجیتال را صرفاً نباید به معنای مهارت کاربرد استفاده از رایانه تفسیر نمود. لازمه زندگی در عصری که تلفن‌های همراه، اینترنت و به‌طور کلی فناوری مبتنی بر بستر وب کل فرایندهای جوامع را تحت تأثیر قرار داده است، آموزش نحوه کاربست این فناوری در ساحت‌های مختلف زندگی است. در این جامعه کودکان و نوجوانانی رشد می‌کنند که اصطلاحات شهروندان دیجیتال^۳ نامیده می‌شوند. کودکان و نوجوانانی که با مهارت، دانش و درکی که سواد دیجیتالی برای آنان به ارمغان می‌آورد، بتوانند در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فکری جامعه نقش مؤثر ایفا کنند. از طریق سواد دیجیتالی به طیف گسترده‌ای از شیوه‌ها و منابع فرهنگی دسترسی پیدا می‌شود که بتوان از آنان در ابزارهای دیجیتال بهره برد. (Hague and Payton, 2010: 2-10).

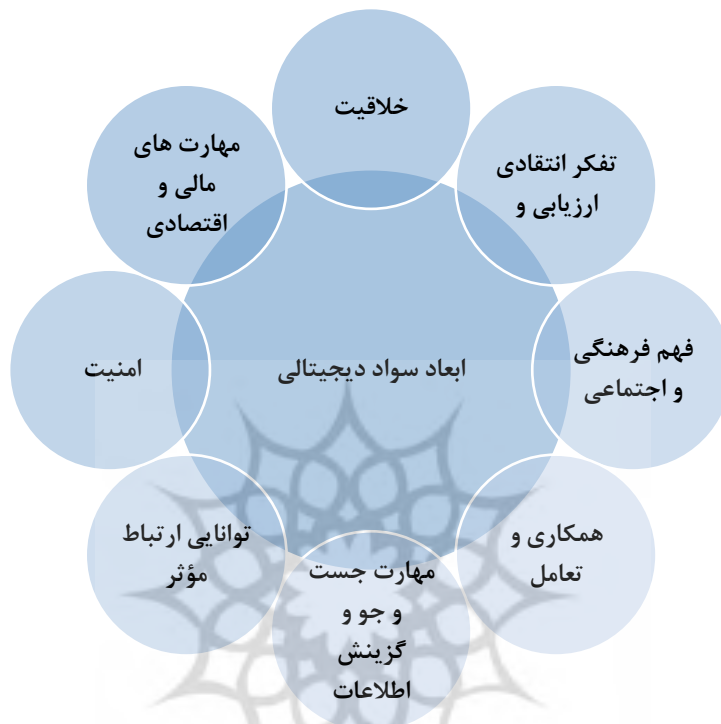
با توجه به گسترش فزاینده بهره‌گیری جوانان از فضای مجازی و فناوری در زندگی، آنان برای کاربست این فناوری نیاز به نوعی حمایت از حیث اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند. لازمه این حمایت تعریف و تبیین نحوه زندگی در عصر دیجیتال در مدارس به جوانان است. به بیان باکنینگهام^۴ نوعی شکاف دیجیتالی جدید یا گسترش وسیع نوعی شکاف میان فرهنگ مدرسه و فرهنگ بیرون از مدرسه برای کودکان و نوجوانان به وجود آمده است؛ زیرا ایده‌ها، ارزش‌ها و دانش‌هایی که کودکان و نوجوانان جهت زیست در عصر دیجیتال لازم دارند در آموزش‌های رسمی در مدارس انعکاس نمی‌یابد.

(Buckingham, 2007 به نقل از Hague and Payton, 2010: ۱۱)

-
1. Hague
 2. Payton
 3. Digital native
 4. Buckingham

در نمودار شماره ۳ ابعاد مختلف سواد دیجیتالی در قالب چارچوبی مفهومی آمده

است:



نمودار ۳. ابعاد سواد دیجیتالی (Lorelle J et al, 2013).

نمودار شماره ۳ نشان‌دهنده آن است که درک سواد دیجیتال را نباید صرفاً با فناوری یا ابزارهای دیجیتال محدود نمود. بلکه باید درک مسائل فرهنگی، اجتماعی، تفکر انتقادی و خلاق بودن را همه بخشی از مجموعه روش‌های گسترده‌ای دانست که سواد دیجیتال را پوشش می‌دهند. مؤلفه‌هایی که در بالا آمده است همه جزوی از منظومه سواد دیجیتالی هستند.

نظریه سیاستی

نظریه سیاستی، نظریه‌ای کاربردی است که چارچوب عمل دولتی و مداخله حکومتی را بر مبنای ارزش‌های اسلامی و ایرانی تبیین می‌کند. نظریه سیاستی شفافیت لازم را برای

استفاده در دیوانسالاری و نظام برنامه‌ریزی خواهد داشت و مدیران و برنامه‌ریزان بخش عمومی می‌توانند بر اساس آن مدل‌های برنامه‌ریزی خود را سامان دهند (اشترینان، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۱). نظریه سیاستی مفهومی است که به‌عنوان الگوی مطلوب سیاستی در نظر گرفته شده است. در این مفهوم الگو به مفهوم نظریه‌های برآمده از کلان نظریه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی و مانند آن در نظر گرفته که معطوف به یک یا چند مسئله اجتماعی است و راهکارهای مداخله حکومت بر حل آن را پیشنهاد می‌دهد. (الویری، ۱۳۹۱). امامی معتقد است نظریه سیاستی، نظریه‌ای کاربردی و کاملاً معطوف به مسائل، زمان و مکان، برنامه‌ریزی و ارائه می‌شود و عملاً به‌عنوان پشتیبان برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مطرح می‌شود و تا به امروز در ادبیات سیاست‌گذاری مغفول بوده است (امامی، ۱۳۹۴).

جهان امروز توسط نظریه‌های سیاستی اداره می‌شود. این نظریه‌ها، مدل‌هایی عملیاتی را بر اساس نظریه‌های هنجاری تدوین نموده و همچون گفتمانی مسلط بر دستگاه‌های اداری و مدیریتی کشورها سایه می‌افکنند. سطوح نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی از ساحتی معرفت‌شناسانه شروع شده و سپس به نظریه‌های روش‌شناسی و آنگاه به نظریه‌های عمومی در رشته‌های مختلف می‌رسد. در مرحله بعدی نظریه‌های سیاستی قرار دارند که از درون نظریه‌های فوق استخراج می‌شوند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان نظریه‌ها را در سه سطح در نمودار شماره ۴ طبقه‌بندی نمود:

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۴: جایگاه نظریه سیاسی در منظومه نظریه پردازی در علوم اجتماعی (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

اسناد بین‌المللی، مقاله‌نامه‌ها و ... در واقع بیانیه‌هایی هستند که از درون این نظریه‌ها استخراج شده و از طریق آن مدیریت می‌شوند. یک نظریه سیاسی معطوف به یک یا چند موضوع یا مسئله اجتماعی است و یک یا چند راهکار مداخله حاکمیتی برای حل آن پیشنهاد می‌دهد. نظریه سیاسی می‌تواند از درون نظریه‌های روش‌شناسی یا از درون نظریه‌های کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... استخراج شده یا با آن‌ها مرتبط باشد.

(اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۱)

نظریه و نظریه‌پردازی در سیاست‌گذاری به‌ویژه در علوم اجتماعی، هم در مقام صورت‌بندی و تفسیر و هم در مقام تأثیر در سیاست‌گذاری اجتماعی و اجرا، در بردارنده سلسله‌مراتب و سطوح گوناگونی از ارزش‌ها، باورها و پیش‌فرض‌های هنجاری است. نظریات سیاسی که در سطح سیاست‌گذاری اجتماعی مطرح می‌گردند، اندیشه‌های بنیادین و نظری را با عمل اجتماعی مرتبط می‌سازند. (صفایی و فریادی، ۱۳۹۲)

روش پژوهش

روش گردآوری

داده‌های این پژوهش با استفاده از روش گردآوری مصاحبه عمیق با خبرگان مدیریتی و اجرایی جمع‌آوری شده و در رویکردی تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحلیلی داده بنیاد کدگذاری و مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. هدف اصلی روش داده بنیاد، کشف نظریه از داده‌هایی است که به صورت نظام‌مند در تحقیق اجتماعی به دست آمده و تحلیل شده‌اند. (Glaser & Strauss, 1967:1 به نقل از دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). داده‌هایی که توسط نظریه پرداز داده بنیاد برای تشریح فرآیندها جمع‌آوری می‌شود، اشکال بسیاری از داده‌های کیفی را شامل می‌شود؛ از جمله مشاهدات، گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها، اسناد عمومی، خاطرات پاسخ‌دهندگان و مجلات و تأملات شخصی خود پژوهشگر. (دانایی‌فرد، امامی، ۱۳۸۶)

روش تحلیل

این بخش از پژوهش، دربرگیرنده تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش گراندد تئوری (جی.تی)^۱ و بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری (استخراج مفاهیم) و کدگذاری انتخابی (استخراج مقوله‌ها) است.

برای گردآوری داده‌ها، در مجموع ۱۹ مصاحبه تخصصی با محوریت پرسش‌نامه طراحی شده بر اساس داده‌های استخراج شده از اسناد و ادبیات نظری صورت گرفت. جهت تأمین روایی و اعتبار پژوهش، مصاحبه‌شوندگان از میان مدیران سابق و فعلی وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای متولی امر در حوزه فضای مجازی و آموزش و پرورش، خبرگان و فعالان حوزه تعلیم و تربیت و مدیران مدارس غیردولتی و دولتی انتخاب شده‌اند. با توجه به نظریات و جنبه‌های مختلف کارکردی و تأثیرات فضای مجازی بر حوزه تعلیم و تربیت که در ادبیات نظری به تفصیل مورد اشاره، مهم‌ترین مسائل مطرح در

خصوص سیاست‌های مواجهه آموزش و پرورش با فضای مجازی با توجه به مفاهیم نه‌گانه پیش رو استخراج خواهند شد:

۱. توانمندسازی
۲. مقررات گذاری
۳. آموزش
۴. تقویت زیرساخت
۵. تولید محتوا
۶. همکاری با ذی‌نفعان
۷. خانواده
۸. مجوز دهی و نظارت
۹. همکاری و هم‌افزایی میان نهادی

یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران

جمع‌بندی و کدگذاری مصاحبه‌های انجام‌شده، در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری به جهت استخراج مفاهیم و درنهایت کدگذاری انتخابی به جهت استخراج مفاهیم انجام پذیرفت و درنهایت محورهای موجود و مطلوب کل مصاحبه‌ها به تفکیک بررسی و تحلیل شدند.

از کدگذاری ۱۹ مصاحبه‌ی انجام‌شده، ۱۲۰۸ کدباز، ۹۰ مفهوم و ۱۵ مقوله استخراج و موردبررسی قرار گرفت. جدول تقسیم‌بندی مفاهیم استخراج‌شده به سه محور عناصر سیاستی مرتبط با وضعیت موجود و مطلوب مواجهه آموزش و پرورش با فضای مجازی را نشان می‌دهد.

بررسی جدول مشخص می‌سازد ۳۷ مفهوم مستخرج عناصر تشکیل‌دهنده نظریه سیاستی موجود، ۳۷ مفهوم دیگر عناصر تشکیل‌دهنده نظریه سیاستی مطلوب و ۱۶ مفهوم نیز مشترکاً اجزای نظریه سیاستی موجود و مطلوب وزارت آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی را شکل داده‌اند.

مقوله‌های «بایسته‌های حکمرانی آموزش و پرورش در فضای مجازی»، «الگوی مواجهه آموزش و پرورش با فناوری‌های نوظهور»، «تجربیات پیشین آموزش و پرورش»، «توجه به ضرورت تولید محتوا، نقش رقبا و بازیگران بخش خصوصی»، «تقویت و اصلاح جایگاه حاکمیت و تعاملات بیرونی وزارت آموزش و پرورش»، «آموزش و توانمندسازی»، «نحوه ادراک به فضای مجازی»، «سیاست‌گذاری تربیت مربان»، «فضای مجازی کودک و نوجوانان»، «آموزش و پرورش و مدل مطلوب هنجاری مواجهه با فضای مجازی» و «آموزش و پرورش در عصر پسا کرونا» نیز مقوله‌هایی هستند که مقوله‌های مطلوب سیاستی آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی را تشکیل می‌دهند. همچنین مقوله‌های «ضعف بدنه و ساختار آموزش و پرورش در عرصه فناوری»، «جایگاه قوانین، اسناد و بخشنامه‌های بالادستی در آموزش و پرورش»، «نقش آموزش و پرورش در استقلال فضای مجازی» تشکیل‌دهنده اجزای مقوله‌های سیاستی موجود وزارت آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی هستند.

جداول کدهای انتخابی (مقوله‌ها) انتزاع شده از داده‌ها، نشان‌دهنده این است که در فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از مصاحبه هفتم هیچ کد انتخابی (مقوله) جدیدی به دست نیامده است و کدهای محوری (مفاهیم) حاصل از داده‌های مصاحبه‌های بعدی، کدهای انتخابی (مقوله‌های) پیشین را تقویت کرده‌اند و به‌نوعی آن را ارتقا داده‌اند.

پس از مصاحبه پانزدهم نیز، کد محوری (مفهوم) جدیدی از داده‌ها، ایجاد نشده است. توقف ظهور کدهای انتخابی و سیر نزولی شکل گرفتن کدهای محوری (مفاهیم) جدید در فرآیند کدگذاری از مصاحبه سیزدهم، نشان‌گر آن است که بر طبق اصول روش داده بنیاد، پژوهش به اشباع نظری رسیده است و مصاحبه‌های بعدی و تجزیه و تحلیل داده‌های آن، جهت اطمینان از حصول اشباع نظری و استحکام روایی پژوهش انجام شده است.

در جدول شماره ۵ تجمیع داده‌های حاصل از کدگذاری سه مرحله‌ای ۱۹ مصاحبه

عمیق انجام گرفته با خبرگان اجرایی و مدیریتی نمایش داده شده‌اند:

جدول ۴: تجمیع داده‌های حاصل از کدگذاری سه مرحله داده بنیاد

ردیف	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	کدهای محوری (مفاهیم)	جهت سیاستی
۱	بایسته‌های حکمرانی آموزش و پرورش در فضای مجازی	ناکارآمدی رویکرد تصدی گرایانه آموزش و پرورش	موجود
۲		حکمرانی مبتنی بر تنظیم‌گری، هدایت و نظارت توسط آموزش و پرورش	مطلوب
۳		لزوم پیش‌ران بودن مدل مردمی و انعطاف‌پذیر حکمرانی در آموزش و پرورش (حکمرانی غیرمتمرکز)	مطلوب
۴		تأثیرات رشد فناوری در ساختار و نحوه حکمرانی آموزش و پرورش	مطلوب
۵		لزوم تغییر مواجهه آموزش و پرورش با پدیده کنکور و مؤسسات کنکوری	مطلوب
۶		توجه به قدرت انتخاب‌گری مصرف‌کننده و لزوم ذائقه‌سازی توسط آموزش و پرورش	مطلوب
۷		لزوم تسلط تصمیم‌سازان و مدیران در آموزش و پرورش به علم روز و فناوری‌های نوین	مطلوب
۸		اهمیت تعامل و گفت‌وگو میان بدنه آموزش و پرورش	مطلوب
۹		لزوم ترسیم مدرسه آینده بر اساس آرایش رسانه‌ای مبتنی بر فناوری‌های نوین	مطلوب
۱۰		ضرورت ارتباط عملیاتی متخصصان علوم تربیتی با مدارس و آموزش و پرورش	مطلوب
۱۱		لزوم ایجاد رویکرد و ساختار یکپارچه و عملیاتی به فناوری‌های نوین	مطلوب
۱۲		جایگاه آموزش و پرورش در نسبت با فرآیند توسعه‌پذیری جامعه	موجود و مطلوب
۱۳		لزوم توجه به معلمان به‌عنوان مسئله اصلی آموزش و پرورش	مطلوب
۱۴	ضعف بدنه و ساختار آموزش و پرورش در عرصه فناوری	ضعف ساختاری و هویتی آموزش و پرورش در نسبت با نهاد حاکمیت	موجود
۱۵		کثرت مخاطبان و بدنه آموزش و پرورش	موجود
۱۶		بدنه مدیریتی غیرمتخصص، کهن‌سال و ضعیف در	موجود

جهت سیاستی	کدهای محوری (مفاهیم)	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	ردیف
	ساختارهای اثرگذار آموزش و پرورش		
موجود	روزمرگی و ضعف ساختارهای مالی و حقوقی آموزش و پرورش		۱۷
موجود	از هم گسیختگی ساختارهای تصمیم‌گیر در آموزش و پرورش (آنارشیسم سیاسی)		۱۸
موجود	تغییرات مدیریتی بی‌دری و بی‌ثبات ساز در آموزش و پرورش (مانایی پایین مدیران)		۱۹
موجود	انفعال راهبردی و تاریخی آموزش و پرورش و حاکمیت در مواجهه با فناوری		۲۰
موجود	عدم مفاهمه کارآمد میان بدنه مدیریتی ستاد و صف در آموزش و پرورش		۲۱
موجود	بازخوانی و بهره‌گیری از تجربه شبکه ملی یادگیری مدارس رشد در قالب شبکه اینترنت		۲۲
موجود	عدم کارایی شبکه رشد به دلیل عدم پاسخگویی به نیازهای موجود		۲۳
موجود	پیشران بودن آموزش و پرورش در مواجهه ابتدایی با فناوری‌های نوین	تجربیات پیشین آموزش و پرورش	۲۴
موجود	بایسته‌های سیاسی و راهبردی پلتفرم سینا		۲۵
موجود و مطلوب	لزوم بازخوانی سابقه دیرینه وزارت آموزش و پرورش در حوزه فناوری		۲۶
موجود	عدم همخوانی سیاست‌های اجراشده و قوانین رسمی و اعلامی		۲۷
موجود	معایب اسناد سیاسی و لزوم نقد و اصلاح آنان (سندروم سندنویسی)		۲۸
موجود	عدم به‌روزرسانی، کلی بودن و غیرعملیاتی بودن اسناد سیاسی	جایگاه قوانین، اسناد و بخشنامه‌های بالادستی در آموزش و پرورش	۲۹
مطلوب	لزوم تعریف فرآیند به نتیجه رسیدن اسناد در آموزش و پرورش در سلسله‌مراتب ساختاری		۳۰
موجود	محدودیت عملکردی آموزش و پرورش ذیل		۳۱

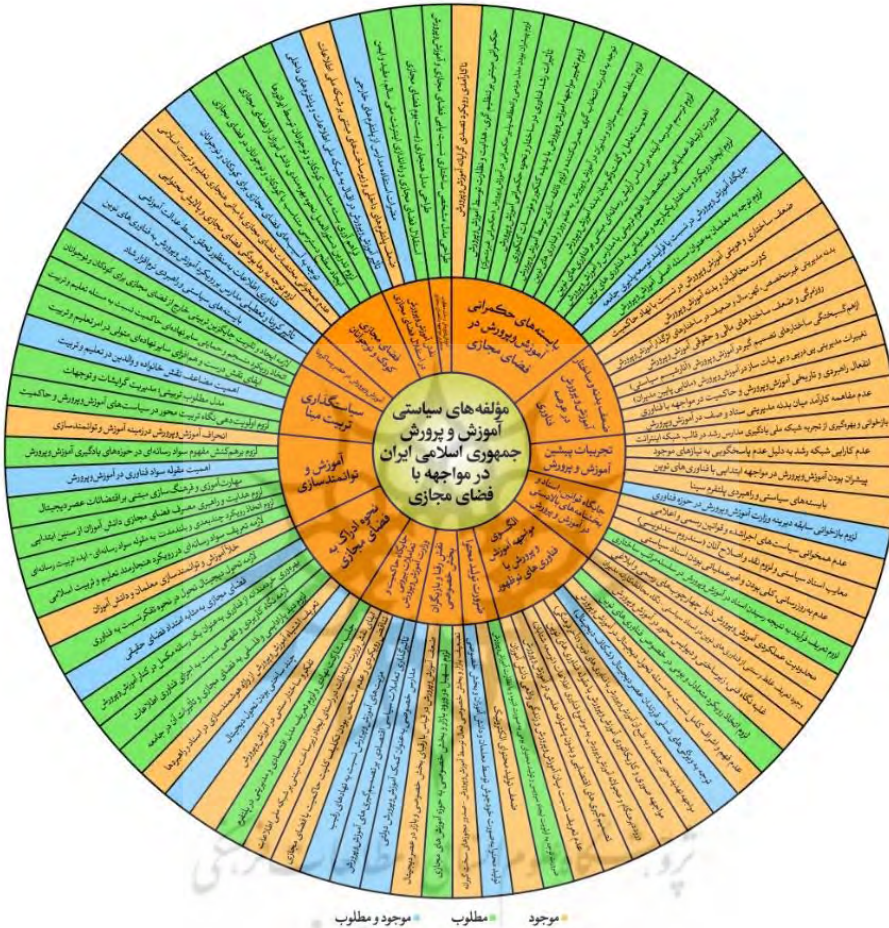
جهت سیاستی	کدهای محوری (مفاهیم)	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	ردیف
	چهارچوب‌های رسمی و ابلاغی		
موجود	وجود تعریف غلط و سنتی از فناوری‌های نوین در اسناد سیاستی - نگاه محافظه کارانه مدیران		۳۲
موجود	غلبه نگاه فنی، زیرساختی و دیوایس محور در آموزش و پرورش	الگوی مواجهه آموزش و پرورش با فناوری‌های نوظهور	۳۳
مطلوب	لزوم اتخاذ رویکرد متعادل و بومی در خصوص فناوری‌های نوین		۳۴
موجود	عدم فهم و اشراف کامل نسبت به مسئله تحول دیجیتال در آموزش و پرورش		۳۵
موجود و مطلوب	توجه به ویژگی‌های نسلی فرزندان عصر دیجیتال (شکاف دیجیتال)		۳۶
موجود	مواجهه تهدید محور جامعه و به طبع آن آموزش و پرورش با فناوری‌های نوین (تأخر فرهنگی)		۳۷
موجود	مواجهه صوری و کاریکاتوری آموزش و پرورش با مقوله فناوری‌های نوین		۳۸
موجود	ورود دیر هنگام و عجولانه آموزش و پرورش به موضوع فناوری اطلاعات (توسعه شتابان)		۳۹
موجود	تصمیم‌گیری‌های اقتضایی و بدون پشتوانه علمی در آموزش و پرورش		۴۰
موجود	عدم تعریف نسبت میان آموزش و پرورش و زندگی واقعی دانش‌آموزان		۴۱
مطلوب	ضرورت توجه به اولویت ایجاد سرویس و تولید محتوای بومی به صورت انبوه و با نظارت آموزش و پرورش		ضرورت تولید محتوا
موجود	ضعف تولید محتوای الکترونیکی		۴۳
موجود و مطلوب	تولید محتوا به صورت خودجوش توسط معلمان و دانش‌آموزان و بخش خصوصی		۴۴
موجود	تضعیف بازار و بخش خصوصی فعال توسط آموزش و پرورش - صدور مجوزهای سخت‌گیرانه	نقش رقبا و بازیگران بخش خصوصی	۴۵

جهت سیاستی	کدهای محوری (مفاهیم)	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	ردیف
مطلوب	لزوم تسهیل در ورود بازار و بخش خصوصی به حوزه آموزش‌های مجازی		۴۶
موجود	ضعف آموزش و پرورش در قیاس با رقبای بخش خصوصی و بازار در عصر دیجیتال		۴۷
موجود و مطلوب	مدارس خصوصی به‌عنوان کمک آموزش و پرورش دولتی		۴۸
موجود و مطلوب	تأثیرگذاری تعاملات سیاسی اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های آموزش و پرورش		۴۹
موجود و مطلوب	مزیت‌های آموزش و پرورش نسبت به نهادهای رقیب		۵۰
موجود	تناقض رویکردی و عدم مشخص بودن تکلیف کلیت حاکمیت با فضای مجازی	جایگاه حاکمیت و تعاملات بیرونی وزارت آموزش و پرورش	۵۱
موجود	ایفای نقش وزارت ارتباطات در راستای ایجاد زیرساخت مبتنی بر شبکه ملی اطلاعات		۵۲
مطلوب	جلب مشارکت نهادی و لزوم تعریف مدل اقتصادی و مدیریتی در پلتفرم		۵۳
موجود	تفکر و ساختار سنتی در آموزش و پرورش		۵۴
موجود و مطلوب	چند ساحتی بودن تحول دیجیتال		۵۵
موجود	تعریف اشتباه آموزش و پرورش از واژه هوشمندسازی در اسناد و راهبردها		۵۶
مطلوب	لزوم دید پارادایمی و فلسفی به فضای مجازی و تأثیرات آن در جامعه	نحوه ادراک به فضای مجازی	۵۷
مطلوب	لازمه نگاه کاربردی و تفهیمی نسبت به اجزای فناوری اطلاعات		۵۸
مطلوب	بهره‌وری خردمندانه از فناوری به‌عنوان یک رسانه مکمل در کنار آموزش و پرورش		۵۹
موجود و	فضای مجازی به‌مثابه امتداد فضای حقیقی		۶۰

جهت سیاستی	کدهای محوری (مفاهیم)	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	ردیف
مطلوب			
مطلوب	لازمه تحول دیجیتال تحول در نحوه تفکر نسبت به فناوری		۶۱
موجود	خلأ آموزش و توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان	آموزش و توانمندسازی	۶۲
مطلوب	لازمه تعریف سواد رسانه‌ای در رویکرد هنجارمند تعلیم و تربیت اسلامی		۶۳
مطلوب	لزوم اتخاذ رویکرد چندبعدی و بلندمدت به مقوله سواد رسانه‌ای - ایده تربیت رسانه‌ای		۶۴
مطلوب	لزوم هدایت و راهبری مصرف فضای مجازی دانش‌آموزان از سنین ابتدایی		۶۵
مطلوب	مهارت‌آموزی و فرهنگ‌سازی مبتنی بر اقتضائات عصر دیجیتال		۶۶
موجود و مطلوب	اهمیت مقوله سواد فناوری در آموزش و پرورش		۶۷
مطلوب	لزوم برهم‌کنش مفهوم سواد رسانه‌ای در حوزه‌های یادگیری آموزش و پرورش		۶۸
موجود	انحراف آموزش و پرورش در زمینه آموزش و توانمندسازی		۶۹
مطلوب	لزوم اولویت‌دهی نگاه تربیت محور در سیاست‌های آموزش و پرورش و حاکمیت		سیاست‌گذاری تربیت مینا
مطلوب	مدل مطلوب تربیتی؛ مدیریت گرایش‌ها و توجهات	۷۱	
موجود و مطلوب	اهمیت مضاعف نقش خانواده والدین در تعلیم و تربیت	۷۲	
مطلوب	ایفای نقش درست و هم‌افزای سایر نهادهای متولی در امر تعلیم و تربیت	۷۳	
مطلوب	اتخاذ رویکرد منسجم و حمایتی سایر نهادهای حاکمیت نسبت به مسئله تعلیم و تربیت	۷۴	
مطلوب	لازمه ایجاد و تقویت جایگزین تربیتی خارج از فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان	۷۵	

ردیف	کدهای انتخابی (مقوله‌ها)	کدهای محوری (مفاهیم)	جهت سیاستی
۷۶	آموزش و پرورش در عصر پسا کرونا	بایسته‌های سیاستی و راهبردی نرم‌افزار شاد	موجود و مطلوب
۷۷		تأثیر کرونا و تعطیلی مدارس بر رویکرد آموزش و پرورش به فناوری‌های نوین	موجود و مطلوب
۷۸		فناوری اطلاعات به منظور تحقق بسط عدالت آموزشی	موجود و مطلوب
۷۹	فضای مجازی کودکان و نوجوانان	لزوم توجه به رها بودگی فضای مجازی و پالایش محتوایی	موجود
۸۰		عدم همخوانی مختصات فضای مجازی با مبانی هنجاری تعلیم و تربیت اسلامی	موجود
۸۱		توجه به آسیب‌های فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان	موجود و مطلوب
۸۲		ایجاد سطح دسترسی متناسب با کودکان و نوجوانان در فضای مجازی	مطلوب
۸۳		لزوم تدوین دستورالعمل نحوه بهره‌مندی دانش‌آموزان از فضای مجازی	مطلوب
۸۴		فراهم آوری بسته مناسب کودکان و نوجوانان توسط اپراتورها	مطلوب
۸۵		تأثیر آموزش و پرورش در اقبال به شبکه ملی اطلاعات و پلتفرم‌های داخلی	موجود و مطلوب
۸۶	نقش آموزش و پرورش در استقلال فضای مجازی	ضعف پلتفرم‌های داخلی و زیرساخت‌های مبتنی بر شبکه ملی اطلاعات	موجود
۸۷		مضرات استفاده مدارس از پلتفرم‌های خارجی	موجود و مطلوب
۸۸		استقلال فضای مجازی و راه‌اندازی اینترنت ملی سالم، مفید و ایمن	مطلوب
۸۹		طراحی مدل هنجاری زیست‌بوم فضای مجازی	مطلوب
۹۰	آموزش و پرورش و مدل مطلوب هنجاری مواجهه با فضای مجازی	طراحی مدل مشخص ساختاری نسبت یابی فضای مجازی و آموزش و پرورش	مطلوب

در نمودار شماتیک مقوله‌ها و مفاهیم نظریه سیاستی موجود و مطلوب وزارت آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی در نمودار شماره ۵ ترسیم شده‌اند:



نمودار ۵. مؤلفه‌های موجود و مطلوب نظریه سیاستی وزارت آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی

شرح نمودار: با توجه به نمودار ۵، نگاه مبتنی بر تصدی‌گری در وزارت آموزش و پرورش، عدم تعامل صحیح با بخش خصوصی و بازار، ضعف بدنه مدیریتی و ستادی آموزش و پرورش، عدم به‌روزرسانی قوانین و سیاست‌ها و عدم تعریف اهداف مشخص و تعریف شده در اسناد، عدم بهره‌مندی از تجربیات پیشین در مواجهه با فناوری، در کنار نبود

ادراک صحیح به مقوله فضای مجازی و عدم برنامه‌ریزی صحیح برای آموزش و توانمندسازی معلمان، دانش آموزان و والدین مؤلفه‌های نظری موجود را تشکیل داده‌اند. مؤلفه‌های مطلوب نظریه سیاستی نیز، ایفای نقش تنظیم‌گری و راهبری و نظارت محتوایی توسط آموزش و پرورش در کنار تعریف نقش صحیح برای بخش خصوصی جهت تولید محتوای سالم، مفید و ایمن، تعامل با وزارت ارتباطات جهت ایجاد دسترسی امن و پالایش شده برای کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، توجه به ویژگی‌های نسلی کودکان و نوجوانان عصر هزاره، برنامه مدون توانمندسازی مدیران، معلمان و دانش آموزان برای مواجهه صحیح و کارآمد با فضای مجازی و ضرورت توجه به اولویت ایجاد سرویس و تولید محتوای بومی در زیرساخت شبکه ملی اطلاعات به صورت انبوه و با نظارت آموزش و پرورش و در نهایت طراحی مدل هنجاری زیست‌بوم فضای مجازی با نظارت آموزش و پرورش را شامل می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل داده بنیاد به دنبال استخراج مؤلفه‌های موجود و مطلوب سیاستی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از نگاه خبرگان مدیریتی اعم از مدیران فعلی و سابق وزارت آموزش و پرورش و همچنین خبرگان اجرایی اعم از معلمان حوزه فناوری آموزشی و سواد رسانه‌ای و نخبگان حوزه تعلیم و تربیت بوده است. در یک جمع‌بندی کلی وزارت آموزش و پرورش تا رسیدن به الگوی مواجهه صحیح، به‌روز و کارآمد با حوزه تحول فاصله نسبتاً زیادی دارد. همچنین لازمه ایجاد تحول و اصلاح رویکرد فعلی در وزارت آموزش و پرورش، تغییر نقش نهاد تعلیم و تربیت رسمی از ناحیه تصدی‌گری به جایگاه تنظیم‌گری است. همچنین باید برای سایر نهادهای دخیل در فرآیند تربیت مانند خانواده، رسانه‌های رسمی و نهادهای تبلیغی ترویجی را هم در فرآیند سیاست‌گذاری تربیتی در بستر رسانه‌های مجازی نقش جدی قائل شد.

صورت‌بندی مدل نظری در وضعیت موجود

با توجه به تعاریف گفته‌شده مدل نظریه سیاستی در وضعیت موجود در جدول شماره ۶ نمایش داده‌شده است:

جدول ۵. مدل نظری در وضعیت سیاستی موجود

<ul style="list-style-type: none"> ✓ رویکرد تصدی گرایانه ✓ ضعف بدنه مدیریتی آموزش و پرورش ✓ ازهم گسیختگی ساختارهای تصمیم گیر 	شرایط علی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ جایگاه حاکمیت و تعاملات بیرونی ✓ غیر عملیاتی بودن اسناد سیاستی ✓ شکاف دیجیتال ✓ ضعف ارتباط با بخش خصوصی 	شرایط زمینه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> ✓ مشکل ادراکی به فضای مجازی ✓ محدودیت عملکرد آموزش و پرورش ✓ بدنه و مخاطبان متکثر ✓ تناقض رویکردی حاکمیت در مواجهه با فضای مجازی 	شرایط مداخله‌گر
<ul style="list-style-type: none"> ✓ الگوی غلط مواجهه آموزش و پرورش با فناوری‌های نوظهور 	پدیده محوری
<ul style="list-style-type: none"> ✓ عدم توجه نقش رقبا و بازیگران بخش خصوصی ✓ عدم اهتمام به آموزش و توانمندسازی 	راهبردها
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ضعف بدنه و ساختار آموزش و پرورش در عرصه فناوری 	پیامدها



نمودار ۶. صورت‌بندی مدل نظری در وضعیت سیاستی موجود

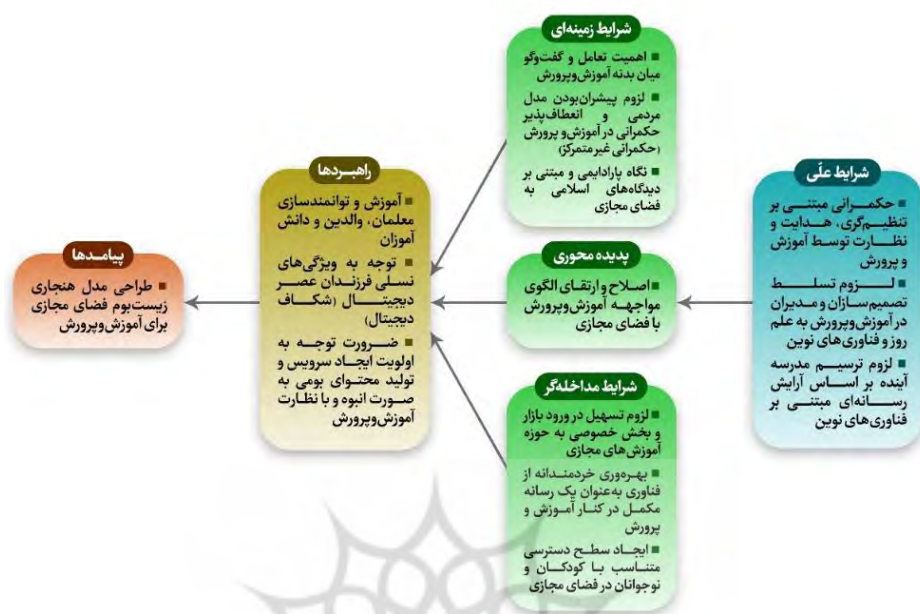
بر اساس نمودار با توجه به نظریه سیاستی موجود، عوامل علی در نظریه سیاستی آموزش و پرورش در مواجهه با فضای مجازی، رویکرد مبتنی بر تصدی‌گری و بدون مداخله بخش خصوصی در آموزش و پرورش است. همین رویکرد منجر به ضعف بدنه تخصصی و ازهم‌گسیختگی ساختارهای تصمیم‌گیر در آموزش و پرورش شده است. شرایط علی متأثر از شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر مانند شکاف دیجیتال موجود میان دانش‌آموزان و معلمان و والدین، بدنه متکثر آموزش و پرورش و درعین‌حال محدودیت عملکرد سیاستی آموزش و پرورش و اسناد سیاستی غیرعملیاتی، ضعف ارتباط نهادی در آموزش و پرورش با حاکمیت و بخش خصوصی هستند. پدیده محوری در این میان الگوی غلط مواجهه نهاد آموزش و پرورش با فناوری اطلاعات است. عدم توجه به مؤلفه‌های راهبردی مانند آموزش و توانمندسازی و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در نهایت منجر به ایجاد پیامد ضعف کلی نهاد تعلیم و تربیت در مواجهه با فناوری‌های جدید خواهد شد.

صورت‌بندی مدل نظری در وضعیت مطلوب

ترسیم مفهومی مدل نظریه‌سیاستی مطلوب آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی نیز در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است:

جدول ۶. مدل نظری در وضعیت سیاستی مطلوب

<ul style="list-style-type: none"> ✓ حکمرانی مبتنی بر تنظیم‌گری، هدایت و نظارت توسط آموزش و پرورش ✓ لزوم تسلط تصمیم‌سازان و مدیران در آموزش و پرورش به علم روز و فناوری‌های نوین ✓ لزوم ترسیم مدرسه آینده بر اساس آرایش رسانه‌ای مبتنی بر فناوری‌های نوین 	<p>شرایط علی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ اهمیت تعامل و گفت‌وگو میان بدنه آموزش و پرورش ✓ لزوم پیش‌بینی بودن مدل مردمی و انعطاف‌پذیر حکمرانی در آموزش و پرورش (حکمرانی غیرمتمرکز) ✓ نگاه پارادایمی و مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی به فضای مجازی 	<p>شرایط زمینه‌ای</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ لزوم تسهیل در ورود بازار و بخش خصوصی به حوزه آموزش‌های مجازی ✓ بهره‌وری خردمندان از فناوری به‌عنوان یک رسانه مکمل در کنار آموزش و پرورش ✓ ایجاد سطح دسترسی متناسب با کودکان و نوجوانان در فضای مجازی 	<p>شرایط مداخله‌گر</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ اصلاح و ارتقا الگوی مواجهه آموزش و پرورش با فضای مجازی 	<p>پدیده محوری</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ آموزش و توانمندسازی معلمان، والدین و دانش‌آموزان ✓ توجه به ویژگی‌های نسلی فرزندان عصر دیجیتال (شکاف دیجیتال) ✓ ضرورت توجه به اولویت ایجاد سرویس و تولید محتوای بومی به‌صورت انبوه و با نظارت آموزش و پرورش 	<p>راهبردها</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ طراحی مدل‌های نوین زیست‌بوم فضای مجازی برای آموزش و پرورش 	<p>پیامدها</p>



نمودار ۷. صورت‌بندی مدل نظری در وضعیت سیاستی مطلوب

در نظریه سیاستی مطلوب، شرایط علی، حرکت آموزش و پرورش به سمت تنظیم‌گیری و نظارت و راهبردی است. همچنین لازم است تا مدل مطلوب مدرسه آینده در نسبت با فناوری و تسلط مدیران آینده بر فناوری‌های ارتباطی را در نظر گرفت؛ که در شرایط زمینه‌ای چون ایجاد بستر تعامل و گفت‌وگو میان بدنه مدیریتی و صف و معلمان آموزش و پرورش و پیش‌ران بودن حاکمیت مردمی و انعطاف‌پذیر و بر اساس نگاه پارادایمی و مبتنی بر دیدگاه‌های فلسفی و اسلامی به فضای مجازی قابل مطرح‌شدن هستند.

تسهیل ورود اثربخش بازار و مؤسسات خصوصی به حوزه فناوری‌های آموزشی و بالا بردن کیفیت بهره‌وری خردمندان از فناوری به‌عنوان یک رسانه مکمل و همچنین ایجاد سطح دسترسی امن به کودکان و نوجوانان نیز شرایط مداخله‌گر مدل سیاستی مطلوب را تشکیل داده‌اند. پدیده محوری این مدل اصلاح و ارتقا الگوی مواجهه آموزش و پرورش با فضای مجازی است که با استفاده از راهبردهایی چون آموزش و توانمندسازی حداکثری معلمان و دانش‌آموزان و والدین، توجه به ویژگی‌های نسلی کودکان و نوجوانان و

ضرورت توجه به اولویت ایجاد سرویس و تولید محتوای بومی به صورت انبوه و با نظارت آموزش و پرورش به عنوان راهبرد مدل به پیامد اصلی آن طراحی مدل هنجاری زیست بوم فضای مجازی برای آموزش و پرورش رسیده است.



منابع

- اشتریان، کیومرث، (۱۳۹۱)، *نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ج اول، تهران: دبیرخانه همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- الویری، محسن، (۱۳۹۱)، *چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن*، نشریه *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، سال اول، شماره ۱، صص ۹۰-۶۹.
- باقرزاده، مهر انگیز، (۱۳۹۹)، *تأثیر عملکرد آموزش در فضای مجازی در تعاملات یاددهی و یادگیری*، *پژوهشنامه اورمزد*، شماره ۵۱، صص ۱۳۵-۱۲۷.
- باهنر، ناصر، مهدی پور، حسین، (۱۳۹۹)، *نظریه سیاستی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
- بل، دیوید، (۱۳۸۸)، *درآمدی بر فرهنگ‌های سایبری*، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: انتشارات جامعه شناسان
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد». *اندیشه مدیریت*. سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان. صص ۹۷-۶۹.
- شریفی، سیدمهدی، کرمی نامیوندی، سجاد (۱۳۹۷)، *بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور*، دو فصلنامه علمی و پژوهشی *دین و ارتباطات*، سال ۲۵، شماره ۵۴، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- صفایی، امیر، فریادی، شهرزاد، (۱۳۹۲)، *نظریه سیاستی و برنامه‌ریزی محیط‌زیست (مطالعه موردی: نظریه توسعه پایدار)*، همایش کنگره پیشگامان پیشرفت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۳.
- فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۸۷)، *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۹۶)، *قدرت ارتباطات*، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، چاپ اول (ویرایش دوم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاظم پوریان، سعید، عبدولی، سمانه (۱۳۹۵)، *سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال*، *نشریه سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره ۶، شماره ۴.

محمدی، هورا (۱۳۹۹)، بررسی نقش بهره از تکنولوژی و فناوری آموزشی در محیط یاددهی و یادگیری، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۱، صص ۱۲۵-۱۱۵.

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸)، نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها

وبستر، فرانک (۱۳۹۰)، نظریه‌های جامعه اطلاعات، ترجمه اسماعیل قدیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

همتیان، مجاهد، آقاجری، حسن، حسینی منش، سیدعباس، (۱۳۹۵)، فرصت‌ها و چالش‌های رسانه‌های نوین و فضای مجازی با تأکید بر نقش اینترنت در آموزش و پرورش، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

تارنمای سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی www.Cra.ir

- Bavakhani Azadeh, Mohammad hosain Yarmohammadian, narges Keshtiaray. (2019), A comparative study of revision models of teacher education curriculum in australia, singapore and turkey: New pattern for Iran, *Iranian journal of comparative education*, volume 2, number 3; page(s) 277 to 297
- Bolter, J David and Grusin, R, (1999), "*Remediation: Understanding New Media*", the MIT Press Publications
- Greenhow, C. and Galvin, S. (2020), "Teaching with social media: evidence-based strategies for making remote higher education less remote", *Information and Learning Sciences*, Vol. 121 No. 7/8, pp. 513-524
- Hague and Payton, (2010), *Digital literacy across the curriculum a Futurelab handbook*.
- José Gómez-Galán, (2020), *Media Education in the ICT Era: Theoretical Structure for Innovative Teaching Styles*, information, Licensee MDPI, Basel, Switzerland
- Lisrter, M and Dovay, J and Giddings, (2009), *S and Grant, F and Kelly, K*, "New Media: A Critical Introduction", London: Routledge Publications
- Logan, Robert K, (2005), *Understanding New Media*, Peter Lang Publishing.
- Lorelle J. Burton, Jill Lawrence, Jane Summers, Peter Gibbings, (2013), *Developing Dart: A Digital Learning Tool to Facilitate Equity and Access in the Contemporary Higher Education Context*, Conference: Open and Distance Learning Association of Australia Distance

- Education Summit (ODLAA 2013): Eeducation Across Space and Time: Sydney, Australia*
- Manovich, L, (2003), "*The Language of New Media*", The MIT Press Publications
- Valkenburg, Patti M, Piotrowski, Jessica Taylor (2017), *plugged in How Media Attract and Affect Youth*, Yale University Press.
- Vandijk, j, (2006), *network society*, SAGE Publications, University of Twente, Netherlands
- Anderson,monica, jiang, JingJing, (2018) *Teens*, Social Media & Technology, www.pewresearch.org.

